



متهم برای داشتن یک

نهاد داد و سند اتهامی و تأثیر آن در حقوق

دادرسی منصفانه

*فرزانه مرادی ** اعظم عدالتجو

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۸/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۱۸

چکیده

نهاد داد و سند اتهامی، شیوه‌ای از راهبرد قراردادی شدن حقوق کیفری است که معتقد به رابطه دو سویه متهم و دستگاه قضایی و لزوم دخالت دادن اراده بزه کار در تعیین مجازات است. چنین تأسیسی در نظام حقوقی کشور ما وجود ندارد، اما به دلیل تأثیر زیاد آن در تسریع دادرسی و کاهش بار محاکم، در نظام-های حقوقی بسیاری، مورد توجه بوده است.

نهاد داد و سند اتهامی، که توافقی بین متهم و دستگاه قضایی، مبنی بر همکاری متهم با دستگاه قضایی، در مقابل دریافت تخفیف در مجازات است، از یک سو به اصل برابری سلاح‌ها کمک می‌کند و جایگاه متهم را در حد طرف معامله شدن با دستگاه قضایی بالا می‌برد و به دلیل تخفیفی که در نتیجه آن، عاید متهم می‌شود، به نفع متهم تلقی می‌شود؛ اما از سوی دیگر، در نتیجه رسیدگی از طریق نهاد داد و سند اتهامی، برخی از مؤلفه‌های دادرسی منصفانه که تضمین کننده حقوق متهم است، نادیده گرفته می‌شود. در این نوشتار، پس از حصول شناختی مختصر از نهاد داد و سند اتهامی، نگارنده با رویکردی بی‌طرفانه و بدون قایل شدن به دیدگاهی خاص در جهت موافقت یا مخالفت با نهاد فوق به بررسی تأثیر آن در حقوق متهم برای داشتن یک دادرسی منصفانه می‌پردازد و در نهایت این‌طور نتیجه‌گیری می‌کند که نهاد داد و سند اتهامی، نه تنها حقوق متهم را نقض نمی‌کند بلکه، پذیرش این نهاد، ریشه در اندیشه احترام به اراده و حقوق متهم دارد. به این شکل که، اعتقاد به حق سکوت متهم موجب می‌شود که صرف نظر از این حق خود و ارائه اظهاراتی برای کشف جرم در مسیر همکاری با دستگاه قضایی در قبال اعطای امتیازی به متهم، امکان پذیر باشد و اینجاست که عدالت توافقی و نهادهایی مثل نهاد داد و سند اتهامی شکل می‌گیرد.

واژگان کلیدی: داد و سند اتهامی، حقوق متهم، دادرسی منصفانه، اصل تساوی سلاح‌ها

* دانشجوی دوره دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد قم (نویسنده اصلی و مسوول مکاتبات)

Email: moradif45@yahoo.com

** دانشجوی دوره دکترای حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

Email : edalat_at@yahoo.com

مقدمه

قوانین و قواعد کیفری (اعم از شکلی و ماهوی) به منظور اجرای عدالت و اعاده نظم مخدوش شده به واسطه ارتکاب جرم، همواره باید دو اصل کلی و مهم «تلاش برای حفظ نظم عمومی» و «حفظ و مراعات حقوق و آزادی‌های فردی» را همزمان و توأمان مدنظر داشته باشند.

در گذشته، تلاش در جهت حفظ و یا اعاده نظم عمومی، تنها هدف حقوق کیفری را تشکیل می‌داده است؛ اما امروزه به موجب آموزه‌های جدیدتر حقوق کیفری، دیگر قانون‌گذار کیفری نمی‌تواند به بهانه حفظ نظم عمومی تمام قیود را نادیده انگارد و آزادی‌های فردی و حقوق انسانی متهم و حتی محکوم را زیر پا بگذارد، بلکه باید شرایط را به گونه‌ای تنظیم کند که از همان ابتدای طرح دعوی کیفری، نماینده جامعه در تعقیب جرم (دادستان و سایر اعضای دادرسی) و فرد متهم، با سلاح‌های مساوی و شرایط برابر، به نبرد قضایی بپردازند. بدیهی است، هر چند جامعه در این مسیر گام بردارد، عملاً تحقق کامل اصل تساوی سلاح‌ها امری ناممکن است؛ زیرا یک طرف دعوی کیفری (نهاد دادرسی) مجهز به کلیه وسایل کشف جرم و برخوردار از نیروی انسانی بسیار و امکانات و تجهیزات عمومی‌بیشمار است و قدرت او نیز منحصر به مرزهای جغرافیایی کشور نیست و از طریق قرار دادهای بین‌المللی، معاضدت قضایی و استرداد مجرم، قادر است متهم را در هر گوشه دنیا به محضر دستگاه قضایی فرا بخواند و عمل او را مورد رسیدگی قرار دهد و در عین حال، در برابر اعمال نفوذ خود، مسوولیت اساسی نداشته باشد؛ اما در طرف دیگر، فردی قرار دارد که اغلب اوقات از ضعیف‌ترین اقشار جامعه است و همین ضعف و ناتوانی در برابر محرک‌ها و عوامل اجتماعی بوده که او را به سمت ارتکاب جرم کشانده است و در مواردی نیز، عوامل طبیعی و خارج از اراده، نظیر ابتلائات جسمانی و یا بیماری‌های روانی، زمینه‌ساز او را فراهم آورده‌اند.

در چنین اوضاع و احوالی، سخن گفتن از شرایط مساوی دادرسی و متهم، به مزاحی بیش نمی‌ماند؛ زیرا چنین متهمی هر چند برخوردار از امکانات و تجهیزات لازم برای دفاع از خود باشد، طبیعی است که امکانات و تجهیزات لازم برای دفاع او در برابر توان و قدرت جامعه و نهادهای عمومی در ایراد اتهام، بسیار اندک است.^۱

در حقیقت، علت ایجاد چنین وضعیتی شیوه‌ها و قواعد خاصی است که حقوق کیفری در دادرسی‌ها، از آنها تبعیت می‌کند. امروزه، حقوق کیفری، به دلیل ناکارآمدی در کاهش نرخ جرایم، با تحولاتی رو به رو شده است که برخی از این تحولات، منجر به تغییر شیوه‌های حقوق کیفری در دادرسی‌ها شده است. برای مثال، یکی از تحولاتی که حقوق کیفری با آن مواجه شده است، راهبرد قراردادی شدن حقوق کیفری است که در نتیجه آن شیوه دادرسی و قواعد آن، متحول شده است. در واقع، این راهبرد با کاهش فرآیند برچسب‌زنی و کشاندن متهم به فرآیندهای دادرسی، در کاهش نرخ جرم از دیدگاه برچسب‌زنی، می‌تواند امیدوارکننده باشد و همچنین، حقوق کیفری قراردادی شده، به جای آنکه مانند حقوق کیفری سنتی فقط به سرکوبگری تکیه کند و به طور یک سوئی با متهم برخورد کرده و برای تحمیل مجازات بر او تصمیم بگیرد، برای متهم، نقشی پویا در فرآیند کیفری قایل می‌شود.

به دیگر سخن، هدف این راهبرد، واگذاری اختیار به متهم در فرآیند تصمیم‌گیری است. که می‌توان آن را بارزترین نماد نزدیک شدن حقوق مدنی و حقوق کیفری پنداشت. این راهبرد از سوی دیدگاه‌هایی حمایت می‌شود که اعتقاد چندانی به نقش مجازات‌های شدید در اعاده نظم عمومی ندارند^۲ و به جای سزاکرایی بیشتر، فایده‌گرا هستند.

بدین سان، حقوق کیفری با گرتنه برداری از آموزه‌های حقوق مدنی، اسباب برابرسازی اراده بزه کار و مقام قضایی در فرآیند پاسخ دهی به پدیده مجرمانه را فراهم آورده است.^۳ به این شکل که عدالت توافقی، مذاکره طرفین برای رفع اختلاف است. این امر، رسیدن به یک راه حل صلح آمیز را هموار می‌کند و بدین سان، مستلزم آزادی انتخاب طرفین و تساوی آنهاست.^۴ البته لازم

۱. محمود، صابر؛ «معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، در فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۳، ش ۴، (پیاپی)، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۴۴.

۲. فرزانه، مرادی؛ توافق با متهم در پرتو نهاد داد و ستد اتهامی با تاکید بر نظام حقوقی ایران، ج ۱، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴، صص ۱۳۹-۱۳۱.

۳. حسن، نیاز پور؛ «از حقوق کیفری تا حقوق کفری قراردادی شده» دو فصلنامه علمی-پژوهشی آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد، دوره جدید، ش ۱، بهار-تابستان ۱۳۹۰، ص ۵۱.

۴. فرانسواز، آلت مئس؛ قراردادی کردن حقوق کیفری: افسانه یا واقعیت؟، ترجمه رضا فرج‌اللهی، فصلنامه حقوقی و قضایی دادگستری، دوره جدید، سال هفتم، ش ۵۴، بهار ۱۳۸۵، ص ۱۶۶.

به ذکر است که بررسی عدالت توافقی خود، نیازمند بحث مستقلی است و در اینجا مجدداً خواهی بررسی کامل آن نیست، اما طبیعتاً این راهبرد نیز محدودیت‌هایی خواهد داشت و به همین دلیل این دیدگاه که این راهبرد و جلوه‌ای آن باید محدود به جرایم کم اهمیت و خرد باشد، دیدگاه رایجی است مانند پذیرش محدود نهاد داد و ستد اتهامی در هند.^۵

به این ترتیب، حقوق کیفری قراردادی شده، به برقراری اصل تساوی سلاح‌ها کمک می‌کند. یکی از شیوه‌های راهبرد قراردادی شدن حقوق کیفری «نهاد داد و ستد اتهامی» است، که توافقی بین متهم و دستگاه قضایی است. براساس این توافق، متهم با دستگاه قضایی همکاری می‌کند و در مقابل دستگاه قضایی، متعهد به تخفیف مجازات یا تبرئه او می‌شود. در واقع، این نهاد برای تسریع در رسیدگی و کاهش اطاله دادرسی در حقوق کامن لا به وجود آمد و به دلیل استقبال زیادی که بویژه در آمریکا، از آن به عمل آمد، به برخی کشورهای نظام حقوقی نوشته نیز راه یافت. از آنجا که نهاد مذکور، شیوه‌ای از حقوق کیفری قراردادی شده است، با احترام به اراده بزه کار و دخالت کردن او در تصمیم‌گیری در مورد مجازات، گامی بزرگ در جهت برقراری اصل تساوی سلاح‌ها برداشته و از این نظر تضمین‌کننده حقوق بزه کار، به نظر می‌رسد؛ اما، از سویی دیگر، نهاد مذکور، یک شیوه دادرسی کوتاه و بدون تشریفات است و در جریان آن، بسیاری از مؤلفه‌های دادرسی منصفانه که تضمین‌کننده حقوق بزه کار است، نادیده انگاشته می‌شود.

نوشتار حاضر، پس از ارائه شناختی مختصر از نهاد داد و ستد اتهامی، به این موضوع می‌پردازد که نادیده انگاشتن مؤلفه‌های دادرسی منصفانه در جریان دادرسی از طریق نهاد داد و ستد اتهامی، تا چه حد منجر به تضییع حقوق متهم شده و نهاد مذکور را از استانداردهای حقوق بشر دور کرده و مزیت آن در کمک به برقراری اصل تساوی سلاح‌ها را بی ارزش نماید.

۲. مفهوم و اقسام نهاد داد و ستد اتهامی

داد و ستد اتهامی ترجمه اصطلاح لاتین «Plea Bargaining» است. با توجه به این که، اصطلاح «Plea Bargaining» از ترکیب دو کلمه «Plea» به معنای درخواست،^۶ دادخواست،^۷ دفاع،^۸ دفاعیه،^۹ عرض حال،^{۱۰} مدافعه و «Bargaining» به معنای دادوستد،^{۱۱} معامله،^{۱۲} توافق،^{۱۳} مذاکره کردن،^{۱۴} چانه زدن^{۱۵} و تعهد متقابل می‌باشد؛ در بیان معنای لغوی این اصطلاح، درخواست یا دادخواست معامله، تقاضای مذاکره، مدافعه چانه زنی، را می‌توان ذکر کرد؛ «Plea Bargaining» را «Plea Negotiation» و «Plea Agreement» هم می‌گویند، که تقریباً القاگر همان معانی ذکر شده هستند، هم چنین معنی «توافق قبل از محاکمه»^{۱۶} و «معامله اتهام»^{۱۷} یا «داد و ستد اتهامی» نیز برای این اصطلاح ذکر شده است، که ظاهراً دو معنی اخیر کاربرد بیشتری در متون حقوقی فارسی زبان، داشته است و در کتب و مقالاتی که از اصطلاح «Plea Bargaining» استفاده شده غالباً معنای اخیر یعنی «معامله اتهام» یا «داد و ستد اتهامی» در مقابل آن ذکر شده است. که ناظر به نوعی توافق دو سویه بر سر اتهام می‌باشد یعنی معامله‌ای با موضوع اتهام.

۵. مرادی، پیشین، ص ۴۰.
۶. محمدرضا، باطنی؛ فرهنگ معاصر ایران، انگلیسی - فارسی، ج ۶، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱، ص ۳۰۲.
۷. مهرداد، مصلحی؛ فرهنگ حقوقی یادواره، ج ۱، تهران: انتشارات یادواره اسدی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۴.
۸. بخش ترجمه دیوان دعاوی ایران (لاسه)؛ فرهنگ اصطلاحات حقوقی انگلیسی به فارسی، ج ۵، تهران: کتابخانه گنج دانش و دادآفرین، ۱۳۸۹، ص ۵۶.
۹. محمود، رضانی نوری؛ فرهنگ حقوقی مدین، ج ۳، تهران: انتشارات مدین، ۱۳۷۶، ص ۵۶۰.
۱۰. عباس، آریان پور کاشانی، منوچهر، آریان پور کاشانی؛ فرهنگ دانشگاهی انگلیسی به فارسی، ج ۲، چ ۱۱، تهران: چاپخانه سپهر تهران، ۱۳۷۱، ص ۴۰۶۹.
۱۱. مصلحی؛ پیشین، ص ۳۸.
۱۲. رضانی نوری؛ پیشین، ص ۷۲.
۱۳. باطنی؛ پیشین، ص ۲۸.
۱۴. مهشید، مشیری؛ فرهنگ اطلس، ج ۱، تهران: انتشارات آریان ترجمان، ۱۳۸۶، ص ۲۲۹.
۱۵. آریان پور کاشانی، پیشین، ص ۱۰۹۳.
۱۶. منوچهر، خزانی؛ فرایند کیفری (مجموعه مقالات)، ج ۱، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۷، ص ۱۵۱.

هم چنین «Plea Bargaining» یا داد و ستد اتهامی، به معنی «توافق روی حل و فصل دعوی بین مدعی علیه و مقام تعقیب»^{۱۷} آمده، که البته دلیل کاربرد بیشتر این نهاد در پرونده‌های کیفری بکاربردن اصطلاحات دعوی و مدعی علیه، که معمولاً برای پرونده‌های حقوقی بکار می‌رود چندان درست به نظر نمی‌رسد و بهتر آن است که این معامله را توافقی بین متهم و مقام تعقیب^{۱۸} در «پرونده‌های کیفری» تعریف کنیم.

بر اساس این توافق متهم می‌پذیرد که از طریق پذیرش مجرمیت خود،^{۱۹} یا ارائه هر اطلاعاتی در مورد جرم، یا هر گونه همکاری دیگر، یا مقام تعقیب، او را از تحمل بار اثبات مجرمیت متهم، معاف کند و در مقابل، مقام تعقیب، متعهد تخفیف در مجازات یا تبریته متهم و کمک به او در کاهش بار مسئولیت وی خواهد شد؛ بدین شکل که یا کیفیت جرم او در نظر گرفته نمی‌شود (مثلاً سرقت مقرون به اذیت و آزار، سرقت ساده در نظر گرفته می‌شود). یا سایر اتهامات وارده به متهم نادیده گرفته می‌شود و فقط به جرمی که متهم در رابطه با آن، با مقام تعقیب همکاری کرده، رسیدگی می‌شود، یا اگر فقط یک اتهام، مورد تحقیق، باشد اعتراف متهم، باعث تخفیف در میزان مجازات می‌شود در نهایت در تعریف نهاد داد و ستد اتهامی می‌توان گفت: «یک نهاد حقوقی سازشی مبتنی بر توافق دو جانبه متهم و دستگاه قضایی است که به عنوان شیوه‌ای از راهبرد قراردادی شدن حقوق کیفری با اعتقاد به لزوم حفظ رسمیت و موجودیت نظام عدالت کیفری، سعی در تعدیل گرایش سرکوب‌گرانه و یکسویه این نظام در برخورد با متهم دارد و در مسیر این هدف، اراده متهم در تصمیم‌گیری در مورد مجازات را قابل توجه می‌انگارد.»

۲-۱. اقسام نهاد داد و ستد اتهامی

مزایای نهاد داد و ستد اتهامی در کاهش جمعیت کیفری و رویارویی بیشتر کشورها با مشکل تورم کیفری سبب توجه آنها به نهاد مذکور شد اما از آنجا که هر کشوری با توجه به شرایط خاص خود برای بومی‌سازی نهاد مذکور ناچار به اعمال تغییراتی در شیوه اجرای آن بود به این ترتیب انواع مختلفی از داد و ستد اتهامی وجود دارد که از جنبه‌های مختلف قابل تقسیم‌بندی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۲-۱-۱. اقسام نهاد داد و ستد اتهامی به اعتبار نقش متهم در جریان مذاکرات

داد و ستد اتهامی به اعتبار تعهدی که متهم برعهده می‌گیرد، دارای انواع مختلفی است، اولاً این تعهدات می‌تواند اعتراف به جرم و پذیرش مجرمیت از جانب او باشد، این نوع از داد و ستد، بیشترین کاربرد را در سیستم‌های قضایی مختلف دارد و معروف به «Plea Guilty» است. از آنجا که تعهد متهم در این نوع داد و ستد، «اقرار» است و «اقرار» به عنوان یکی از ادله مهم اثبات دعوی، همیشه با حساسیت‌های زیادی برای حفظ اعتبار، همراه است، عموم شرايطی که برای عدم اجبار متهم به پذیرش معاملات وجود دارد در مورد «Plea Guilty» با حساسیت و دقت بیشتری وجود خواهد داشت.

علاوه بر این، تعهد متهم، می‌تواند به شکل دیگری غیر از اعتراف به جرم و از طریق هر نوع همکاری دیگر با نهاد تعقیب مانند معرفی همدستان به‌ویژه «دانه درشت‌ها» و همکاری با پلیس برای دستگیری آنها باشد؛ برای مثال در این زمینه می‌توان به سیاست‌واحد‌های مبارزه با مواد مخدر در خصوص تمرکز اجرای قانون روی عرضه‌کنندگان عمده‌ی مواد مخدر، اشاره کرد، «مدیران بخش‌های مواد مخدر عموماً معتقدند که باید از مخبرین حداکثر استفاده را در جهت اجرای سیاست‌های معاوضه‌ی خرده پاها با دانه درشت‌ها کرد.»

به دنبال دستگیری متهم ممکن است به وی پیشنهاد داده شود که آیا متهم حاضر است به‌عنوان یک مخبر و خبررسان با پلیس همکاری کند یا نه؟ اگر فرد دستگیرکننده موفق به آغاز این‌گونه مذاکرات با متهم نشود در مراحل بعدی افسر تحقیق و بازرجویی ممکن است به متهم این پیشنهاد را ارائه کند و به این نتیجه برسد که با بکارگماردن وی، به‌عنوان مخبر، می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در خصوص منبع اصلی تولید و توزیع مواد مخدر به‌دست آورد.

۲-۱-۲. اقسام نهاد داد و ستد اتهامی به اعتبار نقش مقام تعقیب در جریان مذاکرات

مقامات دادسرا (یا در برخی موارد پلیس) به عنوان یکی از طرفین اصلی معامله، تعهداتی را در مقابل متهم به عهده می‌گیرد که بر اساس آنها می‌توان انواع مختلفی از داد و ستد اتهامی را در نظر گرفت:

۱۷. بهمن، آقایی؛ فرهنگ حقوقی بهمن، ج ۱، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۹۰۶.

۴. Brayan (Editor in chief), Garner; Black Law Dictionary, Tehran, Mizan Publishing, ۱۳۸۸, p: ۱۱۹۰.

۵. Longman (Firm), Longman Advanced American Dictionary, ۳th Edition, ۲۰۰۳, p: ۱۱۰۲.

در نوع اول، در کشورهای تابع نظام حقوقی کامن‌لا از داد و ستد اتهامی، در صورت همکاری متهم، تعهد مقام تعقیب، «تغییر نوع اتهام» اوست، مثلاً اگر اتهام «سرقت جنایی» باشد، مقام تعقیب این اتهام را تغییر داده و «سرقت جنحه‌ای» را به عنوان اتهام متهم ثبت می‌کند.

در نوع دوم، تعهد دادستان تغییر نوع اتهام در کیفر خواست نیست، اتهام متهم همان طور که هست ثبت خواهد شد، ولی در صورت همکاری متهم، مجازات مقرر برای او از حداکثر مجازات‌های مندرج در قانون پایین‌تر است. این نوع داد و ستد که آن را «داد و ستد اتهامی براساس میزان مجازات» می‌گویند در آمریکا هنگامی تضمین می‌شود که مقام رسیدگی کننده (قاضی) آن را تأیید نماید.

نوع سوم، در مواردی پیش می‌آید که متهم بیشتر از یک اتهام دارد و تعهد دادستان این است که «[متهم] در صورت اعتراف به جرم در خصوص یک یا چند اتهام، از تعقیب دادستان در خصوص سایر اتهامات و پی‌گیری آنها در آینده مصون می‌ماند.»

باید توجه داشت که، مقامات تعقیب بسته به تبعیت آیین دادرسی کیفری یک کشور از سیستم قانونی بودن یا موقعیت داشتن تعقیب، اختیارات متفاوتی در ورود به مذاکره با متهم، خواهند داشت.

۲-۱-۳. اقسام نهاد داد و ستد اتهامی به اعتبار نقش قاضی در جریان مذاکرات

دخالت قاضی در فرآیند داد و ستد اتهامی از یک سیستم حقوقی به سیستم دیگر بسیار متفاوت است و می‌توان گفت که او یا مثل رویه معمول در سیستم فدرال آمریکا، به کلی از شرکت در مذاکرات منع شده است یا تأیید و رد نهایی مذاکرات را در اختیار دارد، (مانند آنچه در بیشتر کشورهای حقوق نوشته وجود دارد) یا می‌تواند فعالانه در مذاکرات شرکت کرده و یکی از طرفین اصلی باشد (مثل رویه معمول در آلمان). در واقع نظام حقوقی کشورهایمانند آمریکا، قاضی را موظف به پای بندی به معامله بین منهم و مقام تعقیب می‌داند و به نظر می‌رسد که همین شکل اصیل نهاد داد و ستد اتهامی باشد و دخالت دادن قاضی در معامله و یا موکول کردن صحت معامله به تأیید او شیوه‌هایی است که کشورها با توجه به شرایط خاص خود برای بومی‌کردن نهاد مذکور در نظام حقوقی خود ابداع کرده‌اند.

۲-۱-۴. اقسام نهاد داد و ستد اتهامی به اعتبار نوع جرایم و مجرمین مشمول آن

از آنجا که اجرای نهاد داد و ستد اتهامی در کشورهای مختلف متفاوت است نوع جرایم و نیز مجرمینی که امکان اجرای نهاد مذکور در مورد آنها وجود دارد در کشورهای مختلف متفاوت است برای نمونه در برخی از کشورها مانند آمریکا اجرای نهاد مذکور در مورد همه جرایم و همه پرونده‌های کیفری ممکن است و در برخی دیگر از کشورها که شمار آنها بیشتر است اجرای آن فقط مختص به برخی جرایم کم اهمیت و مجرمین غیر حرفه‌ای و بدون سابقه کیفری شده است مانند فرانسه و هندوستان. از یکسو امکان اجرای نهاد مذکور در مورد همه پرونده‌های کیفری تأثیر قابل ملاحظه‌ای در تسریع دادرسی و کاهش تورم کیفری دارد و از سوی دیگر امکان اجرای آن فقط در مورد جرایم کم اهمیت و مجرمین بدون سابقه کیفری، محطاطانه‌تر است و احتمال از بین رفتن جنبه ارعایی مجازات و تکرار جرم را کاهش می‌دهد.

۳. نقض حقوق متهم برای داشتن یک دادرسی منصفانه

امروزه حق برخورداری از دادرسی منصفانه، به عنوان یکی از مصادیق مهم حقوق بشر مورد توجه است و اهمیت آن تا آنجاست که گفته شده «برسایر حقوق بشر، تفوق دارد،»^{۲۰} آذر واقع یک دادرسی منصفانه با لحاظ تضمینات لازم برای طرفین دعوی در دادگاهی مستقل و بی طرف حاصل می‌گردد.^{۲۱} بنابراین رعایت تضمینات لازم برای متهم به عنوان یکی از طرفین دعوی، بخش مهمی از یک دادرسی منصفانه را تشکیل می‌دهد. حقوق متهم، «از فریبترین مباحث حقوق بشر»^{۲۲} است که در

۲۰. استفانی، لاگوت؛ «دادرسی منصفانه و حقوق دفاعی [متهم] در موضوع های کیفری»، فصلنامه علمی - پژوهشی مدرس علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران، سال نهم، ش ۱ (پیاپی ۴۱)، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۸۰.

۲۱. اسدالله، یآوری؛ «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین (با نگاه به کنواسیون اروپایی حقوق بشر و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر)»، دو فصلنامه حقوق اساسی، سال دوم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۳، ص ۲۵۳.

۲۲. مجتبی، فرح بخش؛ «مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم»، فصلنامه حقوقی و قضایی دادگستری، دوره جدید، سال هفتم، ش ۵۶ و

اسناد حقوق بشری متعدد و قوانین اساسی بسیاری از کشورها به آن توجه جدی شده است؛ برای نمونه، اعلامیه جهانی حقوق بشر که باید اولین ثمرات تلاش جامعه جهانی برای انسانی‌تر کردن روش‌های برخورد با نوع بشر و رعایت حقوق اولیه تلقی گردد، اصل را بر بی‌گناهی اشخاص دانسته، مگر اینکه در جریان یک دادرسی عادلانه، که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع فرد تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد^{۲۳}؛ چنانچه در ماده ۱۰ اعلامیه مذکور آمده است: «هر کس با مساوات کامل حق دارد به دعوت به وسیله دادگاه مستقل و بی‌طرفی، منصفانه و علناً رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او توجه کرده باشد اتخاذ تصمیم نماید»، همچنین در ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مذکور است: «همه در مقابل دادگاه‌ها و محاکم دادگستری برابر هستند، هر کس حق دارد به اینکه به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی شود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزایی او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات امور مدنی اتخاذ تصمیم نماید»^{۲۴}، فلسفه تأکید بر حقوق متهم این است که محاکمات جزایی راهی برای سلطه دولت بر شهروندان و رویارویی با رفتارهای مخاطره‌آمیز آنان است؛ ولی این راه نباید به ابزار استبداد و اعمال قدرت و انحراف از عدالت و انصاف تبدیل شود. اگر مقامات عمومی، خود از طریق دعوی جزایی به تعمد یا تساهل مرتکب نقض و نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های شهروندان گردند دیگر نه تنها بر عدالت، انصاف و آزادی بلکه باید بر سوابه‌های این مفاهیم نیز چشم امید بست.^{۲۵}

مخالفان اجرای نهاد داد و سند اتهامی، یکی از دلایل مهم مخالفت خود را بر همین مسأله استوار ساخته‌اند؛ آن‌ها معتقدند که اجرای نهاد مذکور باعث آسیب جدی به برخی از حقوق متهم در راستای حق برخورداری او از یک دادرسی منصفانه می‌شود و نقض حقوق او را هم در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی و هم در مرحله دادگاه به دنبال دارد. توضیح چگونگی این امر، موضوع مباحث آتی است که مختصراً به آن پرداخته می‌شود.

۳-۱. نقض حقوق متهم برای داشتن یک دادرسی منصفانه در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، مرحله‌ای بسیار حساس، از نظر رعایت حقوق متهم است. بسیاری از بی‌عدالتی‌ها در این مرحله بر متهمین روا داشته شده است. علت این امر، می‌تواند اهمیت این مرحله برای دستیابی به ادله اثبات جرم باشد. به هر حال، حفظ حقوق متهم در مقابل مقامات اجرایی دولتها، در این مراحل، پیش‌بینی حقوقی را برای او ایجاد کرده است که اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی از آن حمایت کرده و یا اکثر کشورها آن را پذیرفته‌اند.

نهاد داد و سند اتهامی برخی از حقوق متهم در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی را با چالش رو به رو می‌کند، دلیل این امر، شیوه خاص دستیابی به ادله اثبات جرم در رسیدگی از طریق نهاد داد و سند اتهامی است که می‌تواند منجر به نقض حق سکوت متهم و نقض حقوق متهم از طریق امکان توسل مقام تعقیب به دام گسترده شود.

۳-۱-۱. نقض حق سکوت متهم

یکی از مصادیق حقوق دفاعی متهم، حق سکوت در مقابل تحقیقات ضابطان و مقامات قضایی راجع به اتهام وارد شده به وی است. متهم با تمسک به چنین ابزاری از حداقل امکان برای تضمین حقوق دفاعی خویش بهره‌مند می‌شود، بدون اینکه تکلیفی به همکاری با مقامات قضایی داشته باشد. اصل بر ائنت متهم را از اثبات بی‌گناهی خویش معاف می‌کند، مگر آنکه مقام تعقیب دلایلی را مبنی بر تقصیر متهم ارائه نماید، بدون آنکه دفاع و ادعای متهم بتواند این دلایل را مخدوش سازد. مقتضای اصل بر ائنت حفظ آزادی متهم در عدم همکاری وی است تا اینکه در بستر آن «توازن قوا» و تحقق «انصاف» تضمین شود. برخورداری متهم از این حق، به موجب برخی مؤلفه‌های دادرسی عادلانه، از جمله مصونیت از تهدید و شکنجه و منع اجبار به اقرار به مجرمیت یا شهادت علیه خود می‌باشد.^{۲۶} به نظر می‌رسد که، اجرای نهاد داد و سند اتهامی بدلیل مغایرت با مؤلفه‌های مذکور، با «حق سکوت» متهم در مرحله تحقیق و تعقیب مغایر است. بررسی چگونگی و چرایی این امر موضوع مباحث آتی این نوشتار است.

۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۱۱.

۲۳. علی، نجفی توانا؛ «استنطاق متهم در پرتو اصول حقوقی و علمی»، فصلنامه کانون وکلا، ش ۱۸۸ و ۱۸۹، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۴۵.

۲۴. محمود، آخوندی؛ «حق بهره‌مندی از محاکمه عادلانه»، فصلنامه حقوقی و قضایی دادگستری، ش ۲۷، تابستان ۱۳۷۸، ص ۱۰.

۲۵. علی، فرخنده؛ «حقوق متهم در فرآیند دادرسی کیفری»، ماهنامه دادرسی، سال دوازدهم، ش ۷۲، بهمن و اسفند ۱۳۸۷، ص ۶۳.

۲۶. جواد، صالحی؛ «حق سکوت متهم»، دو ماهنامه تعالی حقوق، سال سوم، ش ۱۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰، ص ۶۸.

۳-۱-۱. مصوئیت از تهدید و شکنجه

مخالفان نهاد داد و سند اتهامی، آن را مغایر با فرض بیگناهی متهم^{۲۷} و شبیه «شکنجه»^{۲۸} می‌دانند، چرا که اولاً به تعبیر ماده یک قرارداد ۱۹۸۴: «واژه شکنجه به هر عملی اطلاق می‌شود که عمداً درد یا رنج‌های جانکاه جسمی یا روحی به فرد وارد آورد، خاصه به قصد اینکه از این شخص یا شخص ثالث اطلاعات یا اقرارهایی گرفته شود، یا به اتهام عملی که این شخص یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب است، تنبیه گردد، یا این شخص یا شخص ثالث مرعوب یا مجبور شود یا به هر دلیل دیگری که مبتنی بر شکلی از اشکال تبعیض باشد، منوط بر اینکه چنین درد و رنجهایی به دست کارگزار دولت یا هر شخص دیگر که در سمت رسمی مأمور بوده است یا به ترغیب یا به رضای صریح یا ضمنی او تحمیل شده باشد. این واژه درد و رنجهایی را که منحصراً از اجرای مجازاتهای قانونی حاصل می‌شود و ذاتی یا مسبب چنین مجازاتهایی است، در بر نمی‌گیرد»^{۲۹}؛ بنابراین تعبیر، داد و سند اتهامی نیز به نوعی اعمال شکنجه است و فقط روش آن تغییر یافته است، در این سیستم، متهم و اداری می‌شود به آنچه مقام تعقیب آن را علت محتمل می‌داند، اعتراف کند، اعترافی که نه ناشی از اراده آزاد او بلکه ناشی از ترس از مجازات بیشتر است و چه بسا، این ترس، سبب شود که متهم به جرمی اعتراف کند که هرگز مرتکب نشده است، پس اعتراف او ناشی از نوعی فشار روحی است و حق سکوت متهم را نقض می‌کند.^{۳۰}

در بررسی این امر، باید دید که آیا فشار روحی ناشی از ترس از مجازات شدیدتر می‌تواند از مصادیق شکنجه باشد یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال توجه به قسمتی از رکن مادی جرم شکنجه که تعیین کننده فعل شکنجه گر است، ضروری است، بدین شرح که: «نخست، فعل مادی باشد، دوم، برای تحقق این جرم تفاوتی میان فعل مادی مثبت یا منفی نیست، سوم، میان فعل مادی و نتیجه مجرمانه باید رابطه علت و معلولی برقرار باشد. در مورد آزار و صدمه روحی خصوصاً باید ثابت شود که این حالات نتیجه عمل مادی و فعلی است که شکنجه گر مرتکب شده است. بنابراین رعب و ترس ناشی از دستگیری و زندان را نمی‌توان تأثیر روحی تلقی کرد، هر چند منجر به اقرار یا دادن اطلاعات شده باشد»^{۳۱}.

ثانیاً، گذشته از مطالب مذکور، مخالفان معتقدند که «داد و سند اتهامی، بر کنترل مؤثر دادرسی کیفری به دست یک افسر تأکید دارد، به عبارت دیگر، این نهاد، دامنه گسترده ای از اختیارات را به مقام تعقیب اعطا می‌کند که از جهت امکان توسل آنها به شکنجه برای وادار کردن متهم به پذیرش معامله، خطرناک است و می‌تواند منجر به شکنجه شود»^{۳۲}.

البته برای حل این چالش راهکارهایی مثل تلاش در جهت هر چه قاعده مندتر کردن داد و سند اتهامی و ایجاد ضمانت اجراهای مؤثر برای جلوگیری از اقدام مقامات تعقیب به شکنجه و پیش بینی لزوم تأیید معامله مذکور توسط قاضی دادگاه در جهت کاهش اختیارات مقام تعقیب و ... تا حدی می‌تواند راهگشا باشد.

ثالثاً، مخالفان معتقدند که «داد و سند اتهامی مانند شکنجه در اروپای قرون وسطی، ریشه در تنبلی و کاهلی مقامات تعقیب دارد»^{۳۳}؛ یعنی مانند شکنجه، کوتاهترین راه است، برای متهم شناختن خود و پذیرفتن دلایلی در اثبات حقایق دستگاه قضایی. به علاوه، همان طور که «نظامهایی که به شکنجه یا آزار و اذیت بازداشت شدگان متوسل می‌شوند، با این سیاست به ضعف خود، در کسب اطلاعات و ناتوانی نیروهای انتظامی و امنیتی در کشف دلایلی که حقیقت را آشکار سازد، گواهی می‌دهند»^{۳۴} نظامهایی که داد و سند اتهامی را پذیرفته و اجرا می‌کنند، نیز، به این ضعف گواهی می‌دهند.

در پاسخ می‌توان گفت که به نظر نمی‌رسد امروزه پذیرش داد و سند اتهامی به دلیل تنبلی و کاهلی دستگاه قضایی باشد بلکه دلیل قوی تر آن همان طور که اشاره شد، رویارویی با مشکل تورم کیفری در این دستگاه است و این مسأله است که نظام‌های قضایی

۲۷. جی.آر. اسپنسر؛ آیین دادرسی کیفری در انگلستان، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، ج ۱، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۴، ص ۱۵۳.

۲۸. Langbein, John H; "Torture and plea Bargaining" the University of Chicago Law Review, Vol. ۴۶, No. ۱, Autumn ۱۹۸۷, p: ۸.

۲۹. محمدعلی، اردبیلی؛ «شکنجه»، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی تهران، ش ۹، بهار و تابستان ۱۳۷۰، ص ۱۸۸.

۳۰. Langbein, op. cit, p: ۱۵.

۳۱. اردبیلی، پیشین، ص ۱۸۹.

۳۲. Langbein, op. cit, p: ۱۸.

۳۳. Ibid, p: ۱۹.

۳۴. محمد، اردبیلی؛ «گفتاری درباره شکنجه و پیشگیری از آن»، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی تهران، ش ۲۲ - ۲۱، زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷، ص ۱۰۶.

را نیازمند توسل به کوتاه ترین راه برای مختومه ساختن پرونده‌ها، نموده است. در واقع نمی‌توان بهره‌گیری از هر راه کوتاهی را به دلیل آنکه شبیه به شکنجه است، منع کرد و استفاده از راه‌های کوتاه، همیشه نشانه ضعف نیست؛ بلکه می‌تواند باعث صرفه جویی در وقت و هزینه و انرژی شده و مزایایی را به دنبال داشته باشد.

۳-۱-۱-۲. منع اجبار به اقرار به مجرمیت یا شهادت علیه خود

یکی دیگر از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه که حق سکوت متهم را ناشی می‌شود و مخالفان، نهاد داد و سند اتهامی را مغایر با آن می‌دانند عبارت است از «منع اجبار به اقرار به مجرمیت یا شهادت علیه خود».

اجبار به اقرار به مجرمیت آن است که متهم تحت تأثیر تحریک، تهدید، وعده‌های امیدوار کننده، فشارهای روانی و یا شکنجه و آزار، اتهام انتسابی را تصدیق نماید و خود را عامل ارتکاب جرم مورد ادعا معرفی نماید و اجبار به شهادت علیه خود نیز هنگامی است که متهم تحت تأثیر عوامل مذکور، وادار به ارائه دلیل و ادای اظهارات موافق با ادعای دادرسی یا شکای شود.^{۳۵}

در حقوق جزا برعکس حقوق مدنی، اقرار متهم علیه خودش تا زمانیکه مقرون به دلایل مسلم و قطعی نباشد، هر چند بتواند مجوز تحقیق از وی گردد. منشاء هیچ‌گونه اثر نیست^{۳۶}؛ چرا که اقرار ناشی از اجبار، تهدید و ... که از طریق صحیح بدست نیامده است، منشاء شک و تردید است، در حالیکه «رسیدن به حقیقت محض و عاری از شبهه و شک و تردید است که باید پشتوانه باور استوار یا ایمان قاضی در صدور حکم قرار گیرد»^{۳۷}

مخالفان نهاد داد و سند اتهامی معتقدند که: «اعتراف متهم در فرآیند این نوع رسیدگی به این دلیل است که دستگاه تعقیب او را به مجازات‌ها و جریمه‌های مادی بسیار سنگین تهدید می‌کند و در واقع او تحت فشار این تهدید اقرار به مجرمیت می‌کند.»^{۳۸} این در حالی است که در قریب به اتفاق اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی کشورها استفاده از اجبار و فشار برای اخذ اطلاعات و اقرار متهم علیه خود، ممنوع اعلام شده است.^{۳۹} بنابراین تهدید متهم به مجازات سنگین و تأثیر آن در تمایل متهم به اقرار علیه خود، موضوعی نیست که بتوان به آسانی از کنار آن گذشت، این امر، حتی اگر چنانچه گذشت، از مصادیق شکنجه نباشد، حتماً از مصادیق اقرار تحت تأثیر تهدید و فشار است.

در واقع، وجود چنین مشکلی در اجرای نهاد داد و سند اتهامی، غیرقابل انکار است و به همین دلیل، کشورها برای حل این مشکل به تمهیداتی روی آورده‌اند، مثلاً در فرانسه قانون‌گذار برای رعایت آزادی اراده متهم در پذیرش داد و سند اتهامی، چنانچه این پیشنهاد، در ایامی که متهم تحت نظر قرار دارد به عمل آید، برای آن ضمانت اجرای بطلان مقرر کرده است (بند ۴ ماده ۲ - ۴۱). افزون بر آن قانون‌گذار مقرر کرده است که پیش از این توافق، متهم باید حق استفاده از کمک یک مشاور حقوقی را داشته باشد. بنابراین، دو حالت ممکن است پیش آید: نخست، متهم از داشتن وکیل مدافع امتناع می‌کند که در این صورت، دادستان پیشنهاد سازش خود را ارائه خواهد داد، دوم، متهم نیاز خود را به استفاده از وکیل مدافع اعلام می‌کند که در این صورت، باید در وقت ممکن در این زمینه اقدام شود. در هر صورت اقدام‌های انجام شده در مورد اعلام این حقوق دفاعی و پاسخ متهم باید در صورت جلسه‌ای بازتاب یافته و رونوشت آن به متهم تحویل شود. قانون‌گذار فرانسوی ضمانت اجرای دیگری نیز در نظر گرفته و آن، جنبه قضایی بخشیدن به پیشنهاد دادستان است (ماده ۲ - ۴۱).^{۴۰}

بنابراین، همان‌طور که ملاحظه می‌شود، هر کشوری، با توجه به شرایط خاص و قوانین کیفری خاص خود، می‌تواند نهاد داد و سند اتهامی را در سیستم قضایی خود بومی‌کند و ایرادات مطروحه بر آن را با راه کارهایی رفع نماید.

۳-۱-۲. نقض حقوق متهم به دلیل امکان توسل مقام تعقیب به دام گستری

در فرآیند داد و سند اتهامی، متهم در مقابل تعهدات مقام تعقیب، متعهد به همکاری با مقام مذکور می‌شود، این همکاری می‌تواند صور گوناگونی داشته باشد، مثلاً گاه به صورت اعتراف متهم به جرم خویش است، گاه از طریق معرفی شرکاء و معاونین جرم صورت می‌گیرد و گاهی هم به صورت کمک به پلیس از طریق صحنه سازی برای به دام انداختن سایر متهمین. مورد اخیر که

۳۵. صالحی، پیشین، ص ۷۲.

۳۶. علی، اردلانی؛ «سکوت در آیین دادرسی کیفری»، فصلنامه کانون وکلا، سال هفدهم، ش ۹۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۴۴، ص ۴۴.

۳۷. مهدی، کی‌نیا؛ روان‌شناسی جنایی، ج ۱، چ ۳، تهران: انتشارات رشد ۱۳۸۱، ص ۱۱.

۱. Langbein.op.cit, p: ۱۸.

۳۹. نجفی توانا، پیشین، ص ۴۵.

۴۰. محمد، آشوری؛ جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، صص ۲۳۹ و ۲۳۸.

استفاده از آن در نتیجه توافق متهم و مقام تعقیب، کم نیست، انتقاد مخالفان دادرسی از طریق نهاد داد و ستد اتهامی را برمی‌انگیزد؛ چرا که مشروعیت روش صحنه سازی پلیس برای به دام انداختن جنایتکاران و ارزش ادله بدست آمده از این طریق، محل تردید است. توضیح آنکه گاه متهم به مقام تعقیب قول کمک برای به دام انداختن هم‌دستان خود را داده و در صحنه سازی پلیس برای به دام انداختن آنها شرکت می‌کند مثلاً متهم به عنوان یک قاچاقچی خرده‌پا به رابطه خود با قاچاقچیان دانه درشت (که قبلاً هم‌دستان او بوده و او را می‌شناسند) - زیر نظر پلیس - ادامه داده و در جمع‌آوری ادله مورد نیاز علیه این دانه درشت‌ها، به پلیس کمک می‌کند. آن چه از دیدگاه منتقدان در اینجا مورد توجه است، حقوق همین دانه درشت‌ها در مثال مذکور است و حقوق هم‌دستان متهم که از این طریق به دام خواهند افتاد.

در واقع، صحنه سازی که یکی از روش‌های متداول کشف جرم است و اصطلاحاً «دام گستری» (Entrapment) خوانده می‌شود، از دیرباز رایج بوده است. برخی از حقوق‌دانان اروپایی مصادیقی مبنی بر استفاده از این روش را در زمان شوالیه‌ها بیان کرده‌اند.^{۴۱} در فرانسه قرن ۱۶ میلادی که قضات مانند دادستان‌ها مجاز به تعقیب دعوی عمومی بودند، حقوق‌دانان بر این نکته متفق بودند که قاضی، در جریان بازپرسی‌ها، نباید هیچ گونه دامی برای متهم بگسترد،^{۴۲} این امر به عنوان یکی از مصادیق تحقیقات و بازجویی‌های مزورانه، منع شده بود. علت تردید در ارزش دلایل به دست آمده از طریق «دام گستری» آن است که این روش، افراد را به ارتکاب به جرم تشویق و تحریک می‌کند و «تشویق می‌تواند فردی را که در حالت عادی قانون مدار است، درگیر عمل مجرمانه کند،»^{۴۳} به همین دلیل مسؤلیت مرتکب این جرم، محل تأمل است؛ چرا که هم تقصیر اخلاقی و هم مسؤلیت حقوقی متوجه افرادی است که می‌توانند تصمیم بگیرند، از قواعد پیروی کنند، از روی قصد عمل کنند و لذا در قبال عمل خود مسئولند؛^{۴۴} اما اغلب حقوق‌دانانی که در مورد «دام گستری» به بحث پرداخته‌اند، ماهیت حقوقی این مسأله را در قالب اکراه بیرونی بیان کرده و معتقدند که اراده مرتکب، در حین ارتکاب جرم مخدوش است.^{۴۵} در حالیکه بدیهی است با وجود اراده مخدوش، امکان توجه صحیح آن به سوی هدف مشخص و مطلوب (قصد) فراهم نیست. از این حیث بنیان رکن روانی و نیز مادی جرم متزلزل است.^{۴۶}

در واقع عملکرد پلیس در جهت تحریک افراد به ارتکاب جرم از طریق «دام گستری» در تقابل مستقیم با اهداف پیشگیری وضعی است. پیشگیری وضعی از جرم به عنوان یک نظریه علمی اصالتاً تأسیسی انگلیسی است^{۴۷} و با ایجاد تغییر در محیط فیزیکی و شیوه‌های نظارت و کنترل درصدد کاهش آمار جرم است، بدین ترتیب بخش مهمی از راهبردهای آن، بر ایجاد تغییر در محیط تمرکز دارد،^{۴۸} این تغییرات به نوعی، به کاهش «فریبندگی‌های جرم» می‌انجامد. طبق عقیده کاتز^{۴۹} افراد هنگام درگیر شدن در گونه‌های متفاوت پروژه‌های مجرمانه الزام‌هایی درونی در خود احساس می‌کنند. او بر آن است که در این حالت‌های هیجانی، جرم چهره‌ای مثبت، هیجان انگیز و نشاط بخش به خود می‌گیرد و مجرم آن را فرصتی برای کند و کاوی خلاقانه در جهان‌هایی عاطفی می‌داند. که در ورای جهان رفتارهای عقلانی و بهنجار وجود دارد. به بیان دیگر مجرم، هنگام ارتکاب جرم، در چالشی درونی درگیر است و می‌پندارد که انجام ندادن جرم در این موقعیت به تحقیر او می‌انجامد. پس به جای پذیرش تحقیر به رفتاری می‌پردازد که معنایی متعالی به آن داده است و این رفتار متعالی را فریبندگی‌های جرم و جذابیت‌های

-
۴۱. مهدی، مقیمی؛ «دام گستری در کشف جرم»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانش انتظامی، سال نهم، ش ۳، پاییز ۱۳۸۶، ص ۱۴۹.
 ۴۲. محمد، آشوری؛ جزوه آیین دادرسی کیفری، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، مجتمع آموزش عالی قم، نیمسال دوم، ۷۸ - ۱۳۷۷، ص ۱۶.
 ۴۳. جعفر، یزدیان جعفری؛ «دام گستری؛ مفهوم، مبانی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه فقه و حقوق، سال دوم، ش ۶، پاییز ۱۳۸۴، ص ۱۱۷.
 ۴۴. توماس، موراوتر؛ فلسفه حقوق، ترجمه بهروز جندقی، چ ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷، ص ۱۹۰.
 ۴۵. مقیمی، پیشین، ص ۱۵۸.
 ۴۶. سید درید، موسوی مجاب؛ نقش اراده در مسؤلیت کیفری با رویکردی به نظام حقوقی ایران، چ ۱، تهران: انتشارات بهنامی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۱.
 ۴۷. علی، صفاری؛ «مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم»، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی تهران، ش ۳۳ و ۳۴، بهار تا زمستان ۱۳۸۰، ص ۲۹۰.
 ۴۸. سید محمود، میر خلیلی؛ «توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، ش ۳، پاییز ۱۳۸۷، ص ۲۹۷.
 ۴۹. کاتز (Katz) با توجه به دو متغیر فریبندگی‌های جرم و الزام‌های درونی، جرم را در پیوند با حالت‌های هیجانی مجرمان بررسی می‌کند.

متفاوت آن تأمین می‌کند.^{۵۰} «دام گستری» از سوی پلیس، مرتکب را در شرایطی آسان و تحریک کننده برای ارتکاب جرم قرار می‌دهد و آسانی ارتکاب جرم، به طور قابل توجهی بر فریبندگی‌ها و جذابیت‌های جرم می‌افزاید و موج تخریب کننده‌تری از احساس حقارت ناشی از عدم ارتکاب جرم در ذهن مرتکب به تصویر می‌کشد، در چنین شرایطی، تصمیم‌گیری مرتکب برای ارتکاب جرم، به شدت تحت تأثیر موقعیتی که پلیس از طریق دام گستری برای او ایجاد کرده، قرار می‌گیرد و می‌توان گفت که آزادی اراده او تا حدودی مخدوش می‌گردد، به همین خاطر، برخی حقوق‌دانان ماهیت حقوقی دام گستری را در قالب اکراه بیرونی بیان می‌کنند؛ بنابراین، همان طور که ذکر شد، «دام گستری» با افزایش فریبندگی‌ها و جذابیت‌های جرم، در نقطه مقابل «پیشگیری وضعی» قرار گرفته و برعکس عملکرد پیشگیری وضعی در جهت کاهش آمار جرایم، «دام گستری» آمار جرایم را بالا می‌برد.

علاوه بر تردیدی که در مسئولیت کیفری مرتکبین جرم، در شرایط دام گستری وجود دارد و مهم‌ترین انتقاد وارده بر استفاده از این روش است، انتقادات دیگری مانند مخالفت با اخلاق حرفه‌ای پلیس و نظم عمومی^{۵۱} نیز بر آن وارد شده است. همه انتقادات وارده بر «دام گستری»، بر تأسیس جزایی داد و سند اتهامی نیز وارد است، چرا که، زمانی که نهاد مذکور، منجر به صحنه سازی از سوی پلیس یا متهمی که متعهد به همکاری با پلیس است، برای به دام انداختن جنایتکاران، می‌شود. تأثیر مخربی بر حقوق متهمین که از طریق «دام گستری» مرتکب جرم شده‌اند، خواهد داشت.

در مقابل انتقاداتی که از رهگذر «دام گستری» بر نهاد داد و سند اتهامی وارد شده است، می‌توان گفت: اولاً هنوز در نظامهای مختلف حقوقی رویکرد تثبیت شده‌ای، درباره مسأله دام گستری وجود ندارد؛ چنانکه در حقوق انگلستان، دفاعی با این مضمون پذیرفته نشده است، البته این امر در موارد مقتضی می‌تواند موجب تخفیف مجازات گردد، در ایالات متحده، دام گستری، به عنوان دفاع قابل طرح است و پس از پذیرش آن در بسیاری از حوزه‌های قضایی، در قانون جزای نمونه این کشور نیز دفاع دام گستری پیش بینی شده است و در فرانسه نیز، دکترین و رویه قضایی، دام گستری را تحت عنوان «تحریک»، نوعی اجبار معنوی و از علل عدم مسئولیت متهم دانسته است، حقوق‌دانان ایرانی نیز این موضوع را به تبع حقوق فرانسه به هنگام بحث از اجبار مطرح کرده‌اند؛ اما دیدگاه واحدی درباره آن ندارند.^{۵۲} حتی کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا که دفاع دام گستری را پذیرفته‌اند، در مقابل هر تحریکی آن را قابل طرح نمی‌دانند و اختلاف نظری که در مورد تعیین تحریکی که منجر به دفاع دام گستری می‌شود، دارند، موجب ایجاد دیدگاه‌های متفاوتی در مورد دام گستری شده که دیدگاه شخصی و عینی، اصلی‌ترین آنهاست؛ در دیدگاه شخصی که نظر غالب است، ابتدا بررسی می‌شود که آیا تحریک به جرم توسط مأمور حکومتی بوده یا نه و سپس اینکه آیا متهم تمایل به ارتکاب جرم موضوع اتهام داشته است یا نه. متهمی که «مایل» به ارتکاب جرم بوده، آماده ارتکاب آن تلقی می‌شود، پس مقدار فرصتی که برای او مهیا شده تا مرتکب جرم شود اهمیتی ندارد. اگر تمایل متهم احراز گردد، دفاع دام گستری کارایی نخواهد داشت. معیار تمایل در واقع تلاشی است تا میان دام گستری برای افراد بی‌گناه و دام گستری برای مجرمان ناآگاه تمایز ایجاد شود. در دیدگاه عینی، تمرکز روی تحریکاتی است، که توسط مأموران حکومت صورت می‌گیرد؛ یعنی چنانچه روشهای ترغیبی موجب خطری قابل ملاحظه برای ارتکاب جرم باشد، دفاع دام گستری اثبات می‌گردد. وجود این دیدگاه‌ها، صرف نظر از تفاوتی که در معیار هایشان وجود دارد و نیز انتقاداتی که بر هر یک از آنها وارد شده، نشانگر این واقعیت است که هر تحریکی، دام گستری محسوب نمی‌شود، علاوه بر این دفاع دام گستری در هر اتهامی نیز قابل طرح نیست؛ چون برخی از جرایم، خطری را ایجاد می‌کند که جامعه نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. در ایالات متحده آمریکا، در قانون جزای نمونه، به صراحت پیش بینی شده، در مواردی که جرم اتهامی ایراد صدمه بدنی یا تهدید به آن است و تعقیب به خاطر صدمه به شخصی است که در ایجاد تحریک نقشی نداشته، دام گستری قابل اعمال نیست؛ به عنوان مثال در دعوی فیلیپس (Philips v. state) رأی بر این صادر شد که در اتهام آدم ربایی نمی‌توان دفاع دام گستری را مطرح کرد، زیرا این دفاع وقتی قابل اعمال است که زیان دیده، شخص تحریک کننده باشد.^{۵۳}

ثانیاً، علاوه بر محدودیت‌هایی که برای طرح دفاع دام گستری وجود دارد، پیچیدگی‌های کشف جرم در دنیای کنونی، استفاده از این روش توسط پلیس را تا حدودی توجیه کرده است.

امروزه، علم و فناوری نسبت به ادوار گذشته پیشرفت بسیار زیادی کرده است. ورود علوم جدیدی مانند علوم رایانه‌ای و فناوری‌های پیچیده الکترونیکی و ماهواره‌ای به عرصه زندگی، موجب پیدایش جرایم جدید و متفاوتی نسبت به گذشته شده است،

۵۰. علی، سلیمی و محمد، داوری؛ جامعه شناسی کجروی، ج ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷، ص ۴۳۳.

۵۱. مقیمی، پیشین، ص ۱۵۲.

۵۲. یزدیان جعفری، پیشین، صص ۱۱۶-۱۲۲.

۵۳. همان

از این رو زمینه ارتکاب جرایم حسب مورد رو به فزونی گذارده و کشف جرم نیز دشوارتر از گذشته شده است.^۴ هم اکنون، «بزهکاران یقه سفید» که از نظر جرم شناسان، اصولاً فاقد وجدان اخلاقی‌اند، از یک سو از توان و استعداد بزهکاری بسیار زیادی برخوردارند و از سوی دیگر میزان سازگاری و قابلیت اجتماعی آنان نیز بالاست. همین امر مبین آسیب‌های احتمالی ناشی از حالت خطرناک این بزهکاران خوش سیما است.^۵ در برخی مواقع بزهکاران دور هم جمع می‌شوند و دست به ارتکاب جرم می‌زنند، این جرایم به «جرایم بانندی» معروفند، یکی از علل روی آوری مجرمان به باند، این است که باند به آنها امکان ناشناس ماندن می‌دهد که موارد دستگیری و اتهام به جرم را کاهش می‌دهد.^۶ بنابراین اگر پلیس با استفاده از رویه دام گستری بتواند به باند نفوذ کند، مجرمان جرایم بانندی، احساس امنیت ناشی از ناشناس ماندن در باند را از دست داده و کمتر به سمت این جرایم می‌آیند.

علاوه بر این‌ها، در صورتی که دام گستری را مخالف حقوق متهم بدانیم، نیز، می‌توان از نهاد داد و ستد اتهامی بهره برد و با نظارت‌های خاصی امکان اقدام مقام تعقیب به گرفتن اطلاعات از متهم، با توسل به دام گستری را از بین برد.

۲-۳. نقض حقوق متهم برای داشتن یک دادرسی منصفانه در دادگاه

مخالفان معتقدند که طبق اسناد بین المللی و قوانین اساسی بسیاری از کشورها، اجرای یک دادرسی منصفانه مستلزم آن است که تمامی تشریفات رسیدگی مطابق قانون اجرا شود، دادرسی علنی باشد و تساوی افراد در مقابل دادگاه تضمین شود؛ اما اجرای نهاد داد و ستد اتهامی تمام این موارد را با چالش جدی رو به رو می‌کند.

۱-۲-۳. نقض حقوق متهم برای داشتن یک دادرسی کامل

متهم حق دارد از دادرسی برخوردار باشد که «قانون»، نحوه اجرای آن را در مقام حفظ حقوق او و با در نظر گرفتن همه جوانب برایش پیش بینی کرده است. او حق دارد برحسب قانون آیین دادرسی درحضور هیأت منصفه یا قاضی واجد شرایط محاکمه شود و زمان لازم برای ایجاد یک دادرسی کامل صرف شود. تمام تشریفات مذکور در قانون برای او «حق» ایجاد می‌کند و نمی‌توان این تشریفات را به دلخواه حذف کرد و متهم را بازچیزه دست مجریان قانون کرد، این دقیقاً همان کاری است که اجرای نهاد دادوستد اتهامی با متهم می‌کند، برای مثال حقوقدانان ایالات متحده بر این باورند که تضمینات اصلاحیه ششم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در روند داد و ستد اتهامی نادیده گرفته می‌شود. برای روشن‌تر شدن موضوع، اصلاحیه ششم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا مقرر می‌دارد: «در تمامی دادرسی‌های کیفری، متهم از حق دادرسی سریع و علنی به وسیله هیأت منصفه‌ای بی طرف از ایالت یا ناحیه ای که جرم در آن واقع شده، اطلاع از چگونگی و علت اتهام، مواجهه با گواهان که علیه او گواهی می‌دهند و از فرآیند دسترسی ضروری به گواهانی که به نفع او گواهی خواهند داد و از کمک و همراهی وکیل جهت دفاع از وی برخوردار خواهد بود.»^۷

اجرای نهاد داد و ستد اتهامی یک میانبر است که دادرسی را از حالت طبیعی خود منحرف کرده و فرآیند آن را به طور قابل توجهی کوتاه می‌کند.

این نهاد، حقوق متهم را برای داشتن یک دادرسی کامل نقض می‌کند و اصلاً اجازه حضور او در دادگاه را نمی‌دهد و اگر بدهد، بسیار مختصر، فوری و بدون رعایت تشریفات یک دادرسی کامل. در واقع نهاد داد و ستد اتهامی از این دیدگاه، وارد عرصه حقوق بشر شده و یکی از حقوق اصلی و اساسی بشر را که نیاز به یک دادرسی کامل است، مخدوش می‌کند.

۲-۲-۳. نقض حقوق متهم برای داشتن یک دادرسی علنی

۵۴. مقیمی، پیشین، ص ۱۴۹.

۵۵. سید درید، موسوی مجاب؛ «بزهکاران یقه سفید»، فصلنامه علمی - پژوهشی مدرس علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران، دوره

۸، ش ۳، پاییز ۱۳۸۳، ص ۶۱.

۵۶. غلامحسین، بیابانی؛ «جرایم سازمان یافته و همکاری‌های جنایی»، فصلنامه علمی - پژوهشی نظم و امنیت انتظامی، دوره جدید، سال

دوم، ش ۳، پاییز ۱۳۸۸، صص ۶۱۲.

۵۷. عطاءالله، روشن قنبری؛ «نگاهی به معامله اتهام در حقوق ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه علمی - تحلیلی کانون، دوره دوم، ش ۱۰۳،

فروردین ۱۳۸۹، ص ۱۰۴.

علنی بودن دادرسی در اصطلاح عبارت است از عدم ایجاد مانع برای حضور افراد و رسانه‌ها در جلسه‌های دادگاه و انتشار جریان دادرسی با رعایت حقوق متهم و بزه دیده^{۵۸}، به عبارت دیگر بر اساس حق علنی بودن محاکمه متهم، باید ورود و خروج افراد به جلسه دادگاه، آزاد باشد.^{۵۹} این اصل نیازمند الزاماتی است، از جمله این الزامات: رفع موانع حضور افراد، و امکان انتشار جریان رسیدگی، حضور متهم در دادگاه، برای آگاهی از دلایل گردآوری شده علیه او (زیرا متهم برابر اصل برابری سلاح‌ها حق دارد که از تسهیلات و امکانات لازم و برابر با طرف مقابل بهره مند باشد تا بتواند از خود دفاع کند)، رویارویی متهم با شاکی و گواهان و پرسش از آنان، که مجال تصمیم‌گیری عادلانه برای دادگاه را فراهم می‌سازد و ممکن است به این طریق شاکی و گواهان به سبب نظارت مردم و ترس از افشاء دروغ خود از سوی حاضران از بیان مطالب خلاف واقع پرهیز کنند، همچنین از الزامات دیگر علنی بودن رسیدگی «شفاهی بودن دادرسی» است که به موجب آن اظهارات طرفین دعوی و دلایل آنها در معرض دیدن و شنیدن جامعه قرار می‌گیرد، هر چند این مطالب در پرونده مکتوب باشد، این امر امکان ارائه دفاع متهم بر پایه دلایل مطرح شده را به او می‌دهد و ممکن است با بحث و گفتگو در جلسه دادگاه حقیقت کشف و ابهام‌ها برطرف شود.^{۶۰}

اجرای نهاد داد و ستد اتهامی به شکل توافق مقام قضایی با متهم، که معمولاً پنهانی و غیرعلنی صورت می‌گیرد، حقوق مذکور برای متهم را با چالش جدی رو به رو می‌سازد. معلوم نیست که متهم در چه شرایطی پیشنهاد مقام قضایی را می‌پذیرد، با اجبار، با تطمیع، یا با میل خود؟ واضح است، که دادرسی از این طریق، تضمین‌کننده چنین حقوقی برای متهم نیست.

۳-۲-۳. نقض تساوی افراد در برابر دادگاه

بنابر آنچه در صدر بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی آمده، همه افراد در برابر دادگاه مساویند.^{۶۱} اولین اقتضای این اصل آن است که تمام کسانی که مرتکب جرم مستلزم کیفر می‌شوند، در مقابل قوانین و دادگاه‌های جزایی یکسان هستند و مجازات بدون نظر گرفتن شخصیت افراد از حیث طبقات اجتماعی، جنس، نژاد، موقعیت اجتماعی، مقام علمی، شغل یا ثروت درباره افراد تعیین می‌شود.^{۶۲} اما دادرسی از طریق نهاد داد و ستد اتهامی این اصل را مخدوش می‌سازد؛ چرا که اختیاری که مقامات تعقیب در مراحل اولیه تعقیب به واسطه نهاد مذکور بدست می‌آورند، دست آنها را در ایجاد تمایز بین متهمان باز می‌گذارد و آنها را به سمت شکل رایجی از تبعیض که اصطلاحاً «پارتی بازی» خوانده می‌شود، سوق می‌دهد، این تبعیض می‌تواند ریشه در وجود دوستی و آشنایی بین متهم و مقام تعقیب یا قرابت‌های دیگر داشته باشد و یا ممکن است ریشه آن در پرداخت مبالغی از سوی متهمین ثروتمندتر برای مقامات تعقیب، باشد.

اقتضای دیگر اصل تساوی متهمین در برابر دادگاه، برابری در اجرای آیین دادرسی کیفری است، بدین معنی که متهمان مشابه با قواعد همسان مورد محاکمه قرارگیرند. اصلاحیه چهاردهم قانون اساسی آمریکا و همچنین اصلاحیه ششم که هیأت منصفه را پیش بینی کرده است، مستند این نتیجه‌گیری هستند.^{۶۳} اما با اجرای نهاد داد و ستد اتهامی؛ دیگر نمی‌توان یک آیین دادرسی مشابه در مورد متهمین مشابه پیاده کرد، بلکه با اجرای آن، آیین دادرسی کیفری دچار یک نوع دوگانگی می‌شود، متهمینی که پیشنهاد مقامات قضایی را می‌پذیرند، قطعاً یک آیین دادرسی متفاوت از متهمینی که با اتهام مشابه، چنین توافقی را نمی‌پذیرند، تجربه خواهند کرد. بدین ترتیب اصل تساوی در دادرسی که از تضمینات یک دادرسی عادلانه است نیز توسط نهاد داد و ستد اتهامی با تهدید جدی رو به رو است.

اگر چه انتقادات وارده بر نهاد داد و ستد اتهامی، در مورد نقض حق متهم برای یک دادرسی منصفانه، صحیح به نظر می‌رسد؛ اما نکته قابل توجه آن است که؛ یکی از شرایط مهم بهره‌مندی از حق محاکمه منصفانه، رسیدگی به دعوی و شکایات و صدور حکم در «اسرع وقت» است.^{۶۴} کاملاً روشن است که اجرای مؤثر حق محاکمه شدن از سوی دادگاه فقط هنگامی امکان پذیر است

۵۸. سمیه، نیکویی؛ «الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه»، فصلنامه حقوقی و قضایی دادگستری، دوره جدید سال هفتم، ش ۵۶ و ۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۲۱۹.

۵۹. محمدجعفر، جعفری لنگرودی؛ ترمینولوژی حقوق، چ ۱۴، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳، ص ۵۲.

۶۰. نیکویی، پیشین، ص ۲۳۹.

۶۱. جلیل، امیدی؛ «حقوق متهم در دادگاه با تکیه براسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر»، فصلنامه قانون و کلا، دوره جدید، ش ۲، (پیاپی ۱۷۱)، زمستان ۱۳۷۹، ص ۴۷.

۶۲. عارفه، مدنی کرمانی؛ اجرای احکام کیفری، چ ۱، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۵، ص ۳۳.

۶۳. سیدمحمود، کاشانی؛ استانداردهای جهانی دادگستری، ج ۱، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۳، ص ۱۴۵.

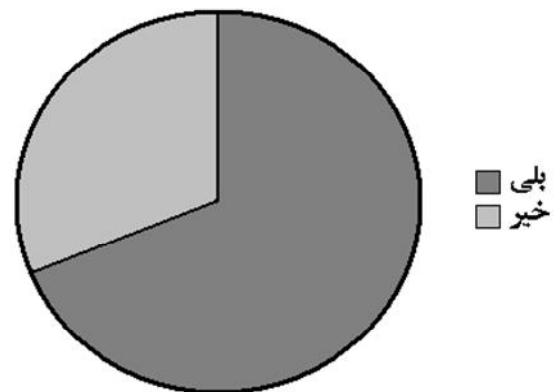
۶۴. رجب، گلدوست جویباری و جهاندار، اکبری؛ «عوامل انسانی اطاله دادرسی در امور کیفری»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات

که تصمیم در مدت متعارف اتخاذ شود، روی دیگر سکه، تأخیر همیشگی خواهد بود؛ یعنی نوعی نبود دادگستری.^{۶۵} در واقع احقاق حق در مدت کوتاه، بدون وجود تشریفات اضافی، خیلی بهتر از احقاق حق در مدت طولانی است. طولانی شدن مدت رسیدگی، باعث طولانی شدن مدتی که متهم، تحت اتهام است، می‌گردد و این امر حقوق بیشتری از او ضایع می‌نماید. شاید به دلیل توجه به همین مسأله است که در نظرسنجی که نگارنده، از میان ۵۰ نفر از جامعه حقوقدان، به عمل آورده است، اکثر آنها نهاد داد و ستد اتهامی را تأمین کننده حقوق متهم دانسته‌اند. (نمودار ۱)

نظرسنجی: آیا نهاد داد و ستد اتهامی حقوق متهم را تأمین می‌کند؟

		نتایج	درصد
تعداد	بلی	۳۵	۷۰
	خیر	۱۵	۳۰
	کل	۵۰	۱۰۰

نمودار ۱: نظر حقوقدانان در مورد تأمین یا عدم تأمین حقوق متهم در فرآیند داد و ستد اتهامی



نتیجه گیری

دادرسی از طریق نهاد داد و ستد اتهامی، به دلیل حذف تشریفات لازم برای یک دادرسی منصفانه، منجر به نادیده انگاشتن برخی از مؤلفه‌های دادرسی منصفانه برای تأمین حقوق متهم است؛ اما اولاً نهاد مذکور، در مقابل نادیده انگاشتن برخی از حقوق متهم، دستاوردهای قابل توجهی برای او به دنبال دارد که ارزش آنها گاه با حقوق از دست رفته او قابل مقایسه نیست. ثانیاً، در اجرای نهاد داد و ستد اتهامی، اصل آن است که متهم، خود، با اراده آزاد خود، تصمیم می‌گیرد که از برخی از حقوق خود برای داشتن یک دادرسی کامل، چشم پوشی کند و معامله با دستگاه قضایی را بپذیرد. بنابراین، چون او با اراده خود از حق خویش صرف نظر کرده؛ اراده او قابل احترام است و حقی از او ضایع نمی‌شود و اگر در اجرای نهاد مذکور، تخلفی از سوی دستگاه قضایی مبنی بر اجبار متهم به پذیرش معامله، صورت گیرد، این امر نتیجه نقص و ایراد در شیوه اجرای نهاد مذکور است و نتیجه ایراد در ماهیت و ذات آن نهاد نیست.

بنابراین، نهاد داد و ستد اتهامی، نه تنها حقوق متهم را نقض نمی‌کند بلکه پذیرش این نهاد، ریشه در اندیشه احترام به اراده و حقوق متهم دارد. بدین صورت که، اعتقاد به حق سکوت متهم موجب می‌شود که صرف نظر از این حق خود و ارائه اظهاراتی برای کشف جرم در مسیر همکاری با دستگاه قضایی در قبال اعطای امتیازی به متهم، امکان پذیر باشد و اینجاست که عدالت توافقی و نهادهایی مثل نهاد داد و ستد اتهامی شکل می‌گیرد. در مقابل، عدم اعتقاد به حق سکوت متهم، که ارائه اطلاعات متهم در مورد جرم و همکاری او با دستگاه قضایی را «وظیفه» او می‌داند. وظیفه‌ای که سرپیچی از آن مستلزم مجازات است و

حقوقی دانشگاه شهیدبهشتی تهران، ش ۴۹، بهار- تابستان ۱۳۸۸، ص ۲۸۱.

۶۵. سارا، سامرز و ترشل، استفان؛ «دادرسی عادلانه در امور جنایی»، ترجمه علی شاپان، فصلنامه حقوقی و قضایی دادگستری، دوره جدید، سال هفتم، ش ۵۶ و ۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۳۱۰.

ممکن است، استفاده از زور و شکنجه برای کسب اطلاعات را به دنبال داشته باشد. انجام این وظیفه، هیچ امتیازی برای متهم در بر نخواهد داشت، فقط عواقب سرپیچی از آن را از بین می‌برد. به این ترتیب، نهاد داد و ستد اتهامی، در صورت اجرای درست و دقیق آن، با احترام به اراده متهم و حقوق او، جایگاه و قدرت او را در حد طرف معامله شدن با دستگاه قضایی بالا می‌برد و به تساوی سلاح‌ها کمک می‌کند. به علاوه با تسریع در دادرسی از تضییع حقوق او در اثر اطاله دادرسی جلوگیری می‌کند.

منابع

۱. آریان پور کاشانی، عباس، آریان پور کاشانی، منوچهر؛ فرهنگ دانشگاهی انگلیسی به فارسی، ج ۲، چ ۱، تهران: چاپخانه سپهر تهران، ۱۳۷۱.
۲. آخوندی، محمود؛ «حق بهره مندی از محاکمه عادلانه»، فصلنامه حقوقی و قضایی دادگستری، ش ۲۷، تابستان ۱۳۷۸
۳. آشوری، محمد؛ جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲
۴. آشوری، محمد؛ جزوه آیین دادرسی کیفری، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، مجتمع آموزش عالی قم، نیمسال دوم، ۷۸ - ۱۳۷۷
۵. آشوری، محمد؛ جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲
۶. آشوری، محمد؛ جزوه آیین دادرسی کیفری، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، مجتمع آموزش عالی قم، نیمسال دوم، ۷۸ - ۱۳۷۷
۷. آقایی، بهمن؛ فرهنگ حقوقی بهمن، چ ۱، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
۸. آلت مئس، فرانسوا؛ قراردادی کردن حقوق کیفری: افسانه با واقعیت؟، ترجمه رضا فرج‌اللهی، فصلنامه حقوقی و قضایی دادگستری، دوره جدید، سال هفتم، ش ۵۴، بهار ۱۳۸۵
۹. اردبیلی، محمد؛ «گفتاری درباره شکنجه و پیشگیری از آن»، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی تهران، ش ۲۲ - ۲۱، زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷
۱۰. اردبیلی، محمدعلی؛ «شکنجه»، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی تهران، ش ۹، بهار و تابستان ۱۳۷۰
۱۱. اردلانی، علی؛ «سکوت در آیین دادرسی کیفری»، فصلنامه کانون وکلا، سال هفدهم، ش ۹۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۴۴
۱۲. امید، جلیل؛ «حقوق متهم در دادگاه با تکیه بر اسناد بین المللی و منطقه ای مربوط به حقوق بشر»، فصلنامه کانون وکلا، دوره جدید، ش ۲، (پیاپی ۱۷۱)، زمستان ۱۳۷۹
۱۳. باطنی، محمدرضا؛ فرهنگ معاصر ایران، انگلیسی-فارسی، چ ۶، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱.

۱۴. بخش ترجمه دیوان دعاوی ایران (لاهی)؛ فرهنگ اصطلاحات حقوقی انگلیسی به فارسی، چ ۵، تهران: کتابخانه گنج دانش و دادآفرین، ۱۳۸۹.
۱۵. بیابانی، غلامحسین؛ «جرایم سازمان یافته و همکاری‌های جنایی»، فصلنامه علمی- پژوهشی نظم و امنیت انتظامی، دوره جدید، سال دوم، ش ۳، پاییز ۱۳۸۸.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ ترمینولوژی حقوق، چ ۱۴، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳.
۱۷. جی.آر. اسپنسر؛ آیین دادرسی کیفری در انگلستان، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، چ ۱، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۴.
۱۸. خزانی، منوچهر؛ فرایند کیفری (مجموعه مقالات)، چ ۱، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۷.
۱۹. رضائی نوری، محمود؛ فرهنگ حقوقی مدین، چ ۳، تهران، انتشارات مدین، ۱۳۷۶.
۲۰. روشن قنبری، عطاءالله، «نگاهی به معامله اتهام در حقوق ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه علمی-تحلیلی کانون، دوره دوم، ش ۱۰۳، فروردین ۱۳۸۹.
۲۱. فرج‌اللهی، رضا؛ فصلنامه حقوقی و قضایی دادگستری، دوره جدید، سال هفتم، ش ۵۴، بهار ۱۳۸۵.
۲۲. فرح‌بخش، مجتبی؛ «مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم»، فصلنامه حقوقی و قضایی دادگستری، دوره جدید، سال هفتم، ش ۵۶ و ۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۲۳. فرخنده، علی؛ «حقوق متهم در فرایند دادرسی کیفری»، ماهنامه دادرسی، سال دوازدهم، ش ۷۲، بهمن و اسفند ۱۳۸۷.
۲۴. سامرز، سارا و استفان، ترشل؛ «دادرسی عادلانه در امور جنایی»، ترجمه علی شایان، فصلنامه حقوقی و قضایی دادگستری، دوره جدید، سال هفتم، ش ۵۶ و ۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۲۵. سلیمی، علی و داوری، محمد؛ جامعه‌شناسی کجروی، چ ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷، ص ۴۳۳.
۲۶. صابر، محمود؛ «معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، در فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۳، ش ۴، (پیاپی)، زمستان ۱۳۸۸.
۲۷. صفاری، علی؛ «مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم»، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی تهران، ش ۳۳ و ۳۴، بهار تا زمستان ۱۳۸۰.
۲۸. صالحی، جواد؛ «حق سکوت متهم»، دو ماهنامه تعالی حقوق، سال سوم، ش ۱۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰.
۲۹. کاشانی، سیدمحمود؛ استانداردهای جهانی دادگستری، ج ۱، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۳، ص ۱۴۵.
۳۰. کی‌نیا، مهدی؛ روان‌شناسی جنایی، ج ۱، چ ۳، تهران: انتشارات رشد ۱۳۸۱.
۳۱. گلدوست جویباری، رجب و اکبری، جهاندار؛ «عوامل انسانی اطاله دادرسی در امور کیفری»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات حقوقی دانشگاه شهیدبهشتی تهران، ش ۴۹، بهار- تابستان ۱۳۸۸.
۳۲. لاگوت، استفانی؛ «دادرسی منصفانه و حقوق دفاعی [متهم] در موضوع‌های کیفری»، فصلنامه علمی- پژوهشی مدرس علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران، سال نهم، ش ۱ (پیاپی ۴۱)، بهار ۱۳۸۴.
۳۳. مرادی، فرزانه؛ توافق با متهم در پرتو نهاد داد و سند اتهامی با تاکید بر نظام حقوقی ایران، چ ۱، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴.
۳۴. مدنی کرمانی، عارفه؛ اجرای احکام کیفری، چ ۱، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۵.
۳۵. مشیری، مهشید؛ فرهنگ اطلس، ج ۱، تهران: انتشارات آریان ترجمان، ۱۳۸۶.

۳۶. مصلحی، مهرداد؛ فرهنگ حقوقی یادواره، چ ۱، تهران: انتشارات یادواره اسدی، ۱۳۸۵.
۳۷. مقیمی، مهدی؛ «دام گستری در کشف جرم»، فصلنامه علمی- پژوهشی دانش انتظامی، سال نهم، ش ۳، پاییز ۱۳۸۶
۳۸. موراوتز، توماس؛ فلسفه حقوق، ترجمه بهروز جندقی، چ ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷
۳۹. موسوی مجاب، سید ثرید؛ «بزهکاران یقه سفید»، فصلنامه علمی- پژوهشی مدرس علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران، دوره ۸، ش ۳، پاییز ۱۳۸۳
۴۰. موسوی مجاب، سید ثرید؛ نقش اراده در مسؤولیت کیفری با رویکردی به نظام حقوقی ایران، چ ۱، تهران: انتشارات بهنامی، ۱۳۸۸
۴۱. میرخلیلی، سید محمود؛ «توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری»، فصلنامه علمی- پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، ش ۳، پاییز ۱۳۸۷
۴۲. نجفی توانا، علی؛ «استنتاج متهم در پرتو اصول حقوقی و علمی»، فصلنامه کانون وکلا، ش ۱۸۸ و ۱۸۹، بهار و تابستان ۱۳۸۴
۴۳. نیاز پور، حسن؛ «از حقوق کیفری تا حقوق کفری قراردادی شده» دو فصلنامه علمی-پژوهشی آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد، دوره جدید، ش ۱، بهار-تابستان ۱۳۹۰
۴۴. نیکویی، سمیه؛ «الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه»، فصلنامه حقوقی و قضایی دادگستری، دوره جدید سال هفتم، ش ۵۶ و ۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵
۴۵. یاوری، اسدالله؛ «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین (با نگاه به کنواسیون اروپایی حقوق بشر و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر)»، دو حقوق اساسی فصلنامه، سال دوم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۳
۴۶. یزدیان جعفری، جعفر؛ «دام گستری؛ مفهوم، مبانی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه فقه و حقوق، سال دوم، ش ۶، پاییز ۱۳۸۴

۴۷. Garner, Bryan (Editor in chief); Black Law Dictionary, Tehran, Mizan Publishing, ۱۳۸۸.

۴۸. Langbein, John H; "Torture and plea Bargaining" the University of Chicago Law Review, Vol. ۴۶, No. ۱, Autumn ۱۹۸۷.

۴۹. Longman (Firm), Longman Advanced American Dictionary, ۳rd Edition, ۲۰۰۳.